

## تأملی بر استراتژی ایالات متحده آمریکا در قبال بیداری اسلامی منطقه خاورمیانه از منظر حقوق بین‌الملل

جعفر حیدرقلی زاده\* / دکتر جمال بیگی\*\*

### چکیده

بیداری اسلامی پدیده‌ای است که هم زمان با تهاجم غرب به جهان اسلام و عصر استعمار، مطرح شد و به عنوان یک پدیده متأثر از نهضت فکری انقلاب جمهوری اسلامی ایران در عصر امروز در قالب جنبشی اجتماعی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به اوج خود رسیده است. به طوری که به معنای تبعیت و پیروی از آموزه‌های اسلامی است که از کشور ایران اسلامی نشأت گرفته و به کشورهای حاشیه خلیج فارس و خاورمیانه از مصر و بحرین گسترش یافت. هدف اصلی این مقاله، بررسی بیداری اسلامی و استراتژی ایالات متحده آمریکا در کشورهای ایران، مصر و بحرین می‌باشد که استدلال ما این خواهد بود که دولت آمریکا با اجرای استراتژی خود در این منطقه؛ یعنی تحریم جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب که به نوعی مغایر با موازین حقوق بشری و حقوق بین‌المللی است، هم‌چنین با سعی در تغییر انقلاب در کشور مصر و سکولار کردن دولت با کودتا به نوعی در امور داخلی آن کشور دخالت نمود. ناگفته نماند که در اجرای سیاست‌های خود در منطقه خاورمیانه از جمله کشور بحرین نیز فروگذار نبوده و با حمایت از رژیم آل خلیفه به نوعی از تروریسم دولتی این رژیم حمایت کرده که همه این اقدامات ایالات متحده آمریکا، مغایر با مقررات حقوق بین‌المللی است.

### کلید واژه‌ها

بیداری اسلامی، استراتژی آمریکا، خاورمیانه، حقوق بین‌الملل.

\* دانشجوی دکتری تخصصی حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

(نویسنده مسئول) law2013j.h@gmail.com

\*\* استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

## مقدمه

بیداری اسلامی، مقوله‌ای است که هم‌زمان با تهاجم غرب به جهان اسلام و عصر استعمار، مطرح شد و به‌عنوان یک پدیده متأثر از نهضت فکری جمهوری اسلامی ایران در عصر امروز در قالب جنبشی اجتماعی (سمیعی اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۰) در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به اوج خود رسیده است. (بشیر، ۱۳۹۱: ۶۴) بیداری به معنای حیات و زندگی است و هم‌چنین به معنای فعال شدن هوش (آگاهی) به کار می‌رود و اسلامی، به مفهوم تبعیت و پیروی از آموزه‌های اسلامی است. در نتیجه بیداری اسلامی به معنای حیات برتر (برین) و تلاش برای دستیابی به آن است و این حیات، تنها از دین، قابل دریافت است. به سخن دیگر، بیداری اسلامی زنده شدن دوباره در پرتو اسلام اصیل است که در پناه آن، استقلال، عدالت و همه آموزه‌ها و ارزش‌های متعالی الهی، بار دیگر زنده می‌شوند یا حیات می‌یابند.

در تعریف دیگر می‌توان بیداری اسلامی را توجه و خواست ملت‌های مسلمان برای بازگشت به زندگی و فرهنگ اسلامی دانست. میل بازگشت به مبانی و اصول اسلامی، اکتفا نکردن به دین به‌عنوان یک مسلک اخلاقی صرف و ورود دین به عرصه سیاست و اداره جامعه و در یک سخن، حاکم کردن اسلام بر همه شئون زندگی است. به عبارت دیگر، بیداری اسلامی تحولی است، حاصل از دمیدن آگاهی و اراده در کالبد به خواب رفته انسان‌ها و جامعه، به‌منظور حرکت ارادی و آگاهانه آن‌ها در مسیر کمالات فطری خویش در چارچوب نظم و نظام اسلامی که نتیجه آن، احیا و بازیابی هویت فردی و جمعی، یعنی شناخت هویت مسلمانی و مسلمان بودن، بازگشت به هویت جمعی واحد خویش و دارالاسلام است. (سمیعی اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۳-۶۰)

سؤالی که در این نوشتار مطرح می‌شود این است که استراتژی ایالات متحده آمریکا در قبال بیداری اسلامی کشورهای حوزه خلیج فارس و خاورمیانه به‌خصوص مصر و بحرین، از دیدگاه حقوق بین‌الملل چه گونه می‌باشد که به نظر می‌رسد هدف از ایجاد موانع بر روند رو به رشد بیداری اسلامی در این کشورها، رسیدن به استراتژی خود در این منطقه می‌باشد. از این‌رو، ابتدا مفهوم بیداری اسلامی را با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری مرور کرده و سپس استراتژی ایالات متحده آمریکا را در قبال آن در دو کشور مصر و بحرین بررسی می‌کنیم.

## ۱- بیداری اسلامی در کشورهای حوزه خلیج فارس و خاورمیانه

قبل از تبیین استراتژی ایالات متحده آمریکا در باب بیداری اسلامی ناظر بر کشورهای ایران، مصر و بحرین، آشنایی اجمالی با مفهوم، خاستگاه و عوامل مؤثر بر بیداری اسلامی در این کشورها با تکیه بر بیانات مقام معظم رهبری ضرورت دارد.

### ۱-۱- مفهوم بیداری اسلامی

بیداری از واژگان فارسی است که در مرادف واژه‌های «یقظه»، بصیرت، علم و معرفت، در زبان عربی به کار برده می‌شود. این اصطلاح که در بستر تاریخی نه چندان دور در کشورهای اسلامی تحقق و جریان یافته است نوعی هم پوشانی با مفهوم و مقوله‌هایی مانند اصطلاح دینی، احیاء دینی، اسلام‌گرایی و مانند آن دارد که در زبان عربی معاصر نیز با تعبیر گوناگونی مانند الصحو، الاسلامیه، البعث الاسلامی، الیتار الاسلامی، الحرت الاسلامیه و یا در پیوند با برخی از این مفاهیم از آن یاد شده است (بیگی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱) که به مفهوم زنده شدن دوباره در پرتو اسلام اصیل است. به بیان دیگر، تجدید حیات اسلام در کالبد فرد و جامعه که در پناه آن استقلال، عدالت و همه آموزه‌ها و ارزش‌های متعالی خداوند دوباره احیاء می‌شود، بیداری اسلامی نام دارد که مجموعه تحولات فکری، اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی در جهت بازگشت به حاکمیت قرآن، سنت و ارزش‌های اسلامی در زندگی سیاسی و اجتماعی و ساخت تمدن اسلامی اطلاق می‌گردد. این حرکت به رغم تنوع گرایش‌ها و زیرمجموعه‌های متفاوت، منادی پیام واحدی در تاریخ با مضمون بازگشت دین به عرصه زندگی فردی و اجتماعی انسان است و هدف از این بازگشت ساختن یک تمدن جدید اسلامی با به کارگیری ارزش‌های خالص اسلامی در قالب تمدن اسلامی است. از این‌رو هدف بیداری اسلامی تشکیل یک تمدن محمدی جهانی است که در آن عقلانیت با معنویت، قدرت با اخلاق، دانش با ارزش و علم با عمل جمع می‌شود. (بهنیافر، ۱۳۹۱: ۱۷۴) به طوری که امام خمینی (ره) در باب بیداری اسلامی می‌فرماید: «هدف ما از بیداری ملت‌ها گسترش اسلام، آدم‌سازی است و نه کشور گشایی» و دو اصل مهم؛ یعنی بازگشت به خود، عرضه اسلام به صورت کامل را عامل بیداری ملت‌ها می‌دانند (فربی، ۱۳۹۱: ۱۶۱) که مصداق بارز این جنبش‌ها (بیداری اسلامی) در کشورهای حوزه خلیج فارس و خاورمیانه برگرفته از تفکرات امام خمینی (ره) است که به عنوان چراغ راه جنبش‌های اخیر است که با الگوگیری از این اندیشه‌ها به این باور رسیده‌اند که رهیافت رهبر کبیر انقلاب اسلامی را به صورت یک نیروی پیش برنده، قرار دهند.

در واقع، در جنبش‌های اسلامی اخیر خاورمیانه شاهد دو عنصر ذهنی و عینی هستیم. این جنبش‌ها در رهیافت ذهنی‌شان، با به‌کارگیری اندیشه‌ها و تفکرات حضرت امام(ره)، مسیر آینده و سرنوشت سیاسی کشورشان را تعریف نمودند. به صورتی که بیداری اسلامی در منطقه در صورت نوید خاورمیانه‌ای با ارزش‌های اسلامی و انقلابی می‌دهد که می‌تواند در مقابل کشورهای سلطه‌گر و ساختارهای سلطه به پا خیزد. کشورهای خاورمیانه با استفاده از اشتراکات فرهنگی، ارزشی، عقیدتی و هویتی می‌توانند در آینده نزدیک به عنوان یک قطب قدرت اسلامی در مقابل غرب قرار گیرند. (جعفری و ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۳۴۳)

### ۱-۲- خاستگاه بیداری اسلامی

بیداری اسلامی متعلق به کشور و منطقه خاصی نیست و به کل جهان اسلام تعلق دارد؛ با این حال خاستگاه اولیه آن چهار کشور مهم ایران، مصر، عثمانی و هند بوده است. در هر کدام از این کشورها، رخدادهای مهمی به وقوع پیوست که باعث جهش فکری اندیشمندان، متفکران، مبارزان مسلمان و سپس مردم برای بازیابی هویت واقعی خود، یعنی هویت اسلامی از طریق بازگشت به خویشتن اسلامی شد. آشنایی با غرب نیز به همان اندازه در شکل‌گیری بیداری اسلامی تأثیر داشته است که اندیشمندان متفکر مسلمان اقدام به مطالعه و سپس مقایسه علل پیشرفت جهان غرب و علل عقب‌ماندگی جهان اسلام کردند. به عبارت دیگر، متفکران و مبارزان مسلمان اقدام به ریشه‌یابی علل فروپاشی تمدن اسلامی پس از تجربه کردن دوران درخشان و پرافتخار گذشته و همچنین شکل‌گیری تمدن غرب پس از سپری کردن دوران جهل و تاریکی قرون وسطی کردند.

تعیین تاریخی دقیق برای آغاز بیداری اسلامی کار آسانی نیست؛ اما در هر یک از چهار کشور ذکر شده حوادثی رخ داد که نقطه آغازی برای تاریخ بیداری محسوب می‌شود. در این جا به اختصار این موضوع را در این چهار سرزمین بررسی می‌کنیم.

۱- عثمانی: ناکامی امپراتوری عثمانی در فتح وین (۱۰۹۴ ه. ق. / ۱۶۸۳ م.)، شکست از روسیه (۱۱۰۸ ه. ق. / ۱۶۹۶ م.)، انعقاد قرارداد کارلوویتس<sup>۱</sup> (۱۱۱۱ ه. ق. / ۱۶۹۹ م.) میان روسیه و عثمانی که عثمانی برای نخستین بار به عنوان دولتی شکست خورده قراردادی را امضاء کرد و سرانجام،

از دست دادن شبه جزیره مسلمان نشین کریمه (۱۲۳۵ ه ش / ۱۸۵۶ م.)؛ از جمله عواملی بود که متفکران این منطقه را به بازنگری در افکاشان واداشت.

۲- ایران: شکست نظامی ایران در برابر روسیه در دوره فتحعلی شاه قاجار و از دست دادن ایالات و ولایات مهمی در قلمرو شمالی و امضای دو عهدنامه تحمیلی گلستان<sup>۱</sup> (۱۱۹۱ ش. / ۱۸۱۳ م.) و ترکمنچای<sup>۲</sup> (۱۲۰۶ ش. / ۱۸۲۸ م.) و تحمیل رژیم کاپیتولاسیون بر ایران سرآغاز بیداری ایرانیان بود.

۳- مصر: حمله ناپلئون به مصر (۱۱۷۷ ش / ۱۷۹۸ م.) و سپس سلطه استعماری انگلستان بر این کشور، نقطه عطفی در تاریخ این کشور محسوب می‌شود که اندیشمندان مصری را به تفکر واداشت.

۴- هند: تسلط استعمار انگلیس بر شبه‌قاره هند و شکست مقاومت مسلحانه مسلمانان هند در برابر انگلیس‌ها در نبرد پلاسی (۱۱۳۶ ش. / ۱۷۵۷ م.) سرآغاز بیداری دانشمندان مسلمان این منطقه بود. (ولایتی، ۱۳۹۲: ۲)

### ۱-۳- عوامل مؤثر بر بیداری اسلامی کشورهای حوزه خلیج فارس و خاورمیانه

بیداری اسلامی در مقاطع مختلف می‌تواند علل مشترکی داشته باشد، اما آنچه در پی می‌آید، بیش‌تر عواملی است که بیداری اسلامی عربی را آفریده است:

۱- ماهیت استبدادی حکومت‌های عربی: یکی از مهم‌ترین عوامل ظهور بیداری اسلامی، ماهیت استبدادی حکومت‌های عربی است. حاکمیت شخصی، خانواده، حزب خاص، قبیله خاص یا منطقه خاص ماهیت اصلی بسیاری از کشورهای عربی را تشکیل می‌دهد و نسل جدید با

۱. این عهدنامه میان نمایندگان روسیه و ایران در سال ۱۸۱۳ م. برابر با سال ۱۲۲۸ ه. ق در یازده فصل و یک مقدمه امضا شد که براساس آن مناطقی از ایران از جمله شهرهایی از گرجستان و قفقاز از جمله باکو، دربند، گنجه، شیروان جدا شد. نک به: آوری، تاریخ معاصر ایران از تأسیس تا انقراض سلسله قاجاریه، ترجمه محمد رفیعی مهر آبادی، انتشارات عطایی، ۱۳۷۳، ص ۹۶.

۲. عهدنامه ترکمنچای قراردادی است که در ۱ اسفند ۱۲۰۶ (۲۱ فوریه ۱۸۲۸) پس از پایان جنگ ایران و روسیه در قفقاز جنوبی و آذربایجان، بین روسیه و ایران امضا شد. برای امضای این پیمان از سوی فتحعلی شاه پادشاه ایران میرزا عبدالحسن خان و آصف الدوله و از سوی روسیه تزاری ایوان پاسکویچ حضور داشتند. طی این قرارداد قلمروهای باقی مانده ایران از معاهده گلستان در قفقاز شامل خانات ایروان و نخجوان به روسیه واگذار شد. ایران حق کشتی رانی در دریای خزر را از دست داد و ملزم به پرداخت ۱۰ کرور تومان به روسیه شد. بر طبق این قرارداد روسیه قول داد از پادشاهی ولیعهد وقت عباس میرزا حمایت کند. نک به: حیدرقلی زاده، جعفر، ۱۳۹۳، ص ۵۲.

ویژگی‌های انقلابی وارد ادبیات سیاسی منطقه و جهان می‌شود، اولین خواسته آن‌ها دموکراسی یا حکومت مردم است.

۲- گسترش فساد و راندخواری بین ارکان حکومت: بزرگ‌ترین علت گسترش فساد، ماهیت استبدادی و با انحصار قدرت به دست افراد یا خانواده خاص بود. (بیگی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳-۲) مثلاً در مصر زمان حسنی مبارک به لحاظ شاخص شفافیت عدم فساد در میان ۱۷۸ کشور رتبه ۹۸ و در زمینه اقتصادی در رده‌بندی بنیاد هریتیج در جایگاه ۹۶ در بین ۱۷۸ کشور قرار داشت. (صالحی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۰)

۳- عدم تطبیق قوانین و احکام اسلامی: با توجه به بافت جمعیتی کشورهای عربی، تقریباً ۹۰٪ آنان را مسلمانان تشکیل می‌دهد. در حالی که قوانینی که در این جوامع پیاده می‌شود بیش‌تر غربی است تا اسلامی، همت نگماشتن به ساخت و تعمیر مساجد، ترویج نکردن فرهنگ نماز و روزه، ترویج بی‌حجابی، ترویج فساد و فحشا، ترویج می‌گساری و ... از چیزهایی که در این کشورها به‌وضوح قابل مشاهده است.

۴- فاصله طبقاتی: از پیامدهای لاینفک حکومت استبدادی و گسترش فساد، به وجود آمدن فاصله طبقاتی است.

۵- گسترش فقر: فقر و اوضاع بد اقتصادی و کشاورزی، ورشکستگی برنامه‌های اقتصاد دولتی و نبود برنامه روشن و امیدوارکننده برای آینده، در کشورهای حاشیه خلیج فارس و خاورمیانه میزان فقر را در این کشورها قابل تشخیص می‌کند. به عنوان مثال به گزارش صندوق بین‌المللی پول، دولت مصر با بدهی ۱۴۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۹ میلادی بدهکارترین دولت در خاورمیانه محسوب می‌شود که حدوداً ۳ میلیون از جمعیت آن کشور در قبرستان‌های آن کشور زندگی می‌کنند.

۶- وابستگی حکام به کشور و فرهنگ بیگانه: خودباختگی کشورهای عربی در برابر فرهنگ بیگانه و به خصوص کشورهای غربی از مهم‌ترین عوامل بیداری و خیزش‌های اسلامی به شمار می‌آید.

۷- حوادث بیدار کننده منطقه‌ای و جهانی: بحران فلسطین، حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر که از آن در قطعنامه ۱۳۷۳ و ۱۳۶۸<sup>۱</sup> به عنوان تروریسم جهانی یاد می‌شود. اشغال عراق و افغانستان و راهبرد نبرد ایدئولوژیک غرب و محوریت آمریکا که با هدف تسلط بر جهان اسلام انجام می‌شود، از جمله حوادثی هستند که آثار چشم‌گیری بر بیداری اسلامی دارد. (بیگی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳)

#### ۱-۴- بیداری اسلامی کشورهای حاشیه خلیج فارس و خاورمیانه از دیدگاه مقام معظم

##### رهبری

یقیناً در جهان امروز برجسته‌ترین رهبران تفکر اسلامی و بیداری اسلامی و نهضت اسلامی مقام معظم رهبری است و بسیاری معتقدند که ایشان با فاصله زیادی نسبت به بقیه رهبران بیداری اسلامی دو پله بالاتر و دو گام جلوتر به عنوان پرچم‌دار این تفکر محسوب می‌شود. در اجلاس بین‌المللی تهران در مدت زمان کوتاه، کلیدی‌ترین و استراتژیک‌ترین سخنان را پیرامون بیداری اسلامی عنوان کرد، به طوری که رهبران نهضت‌های بیداری اسلامی از لفظ امام خامنه‌ای در مورد ایشان استفاده کردند. در این سخنرانی، همه چیز کاملاً دقیق بیان شد و جنبه‌های سیاسی آن بسیار مهم و عمیق بود. ایشان در سخنرانی احاطه خود را بر تحولات منطقه و جهان نشان داده و مانند یک استراتژیست بزرگ حرف زدند. از منظر منطق هم توانایی فوق العاده‌ای بر مسایل جهان و منطقه‌ای داشت و مسایل را به زبان ساده و عامیانه برای مردم بازگو کردند تا همه مردم آن را متوجه شود. در این سخنرانی، مقام معظم رهبری به سه موضوع اصلی اشاره کردند:

۱. هویت شناسی انقلاب‌های منطقه ۲. آسیب‌شناسی انقلاب‌ها ۳. ارائه راهبردهای عملیاتی و استراتژی مؤثر جهت مقابله با تهدیدها و موانع انقلاب که از آن به‌عنوان منشور بیداری اسلامی یاد می‌شود. منشوری که از آن به‌عنوان «نقشه راه بیداری اسلامی» تعبیر کردند، باید توسط اندیشمندان و صاحب‌نظران دیگر، موشکافی و تئوریزه شود.

رهبر انقلاب اصول انقلاب‌های کنونی منطقه و بیداری اسلامی را در چهار عنوان یا عنصر برشمرد که عبارت است از: ۱. احیاء و تجدید عزت کرامت ملی ۲. برافراشتن پرچم اسلام ۳.

۱. این قطعنامه‌ها توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در روزهای ۱۲ و ۲۸ همان ماه در مقابله با تروریسم بین‌المللی و جهانی با رای مثبت همه اعضای شورای امنیت به تصویب رسید. نگاه کنید به: حیدرقلی زاده، جعفر، ص ۶۱.

ایستادگی در برابر نفوذ و سلطه آمریکا و اروپا ۴. مبارزه با رژیم غاصب و دولت جعلی اسرائیل. کما این که موانع و چالش‌هایی که می‌تواند یک انقلاب و جنبش اسلامی را تهدید کند به نظر ایشان عبارتند از: آسیب‌های درونی (احساس تمام شدن نهضت و غنیمت جویی) و آسیب‌های بیرونی (روی کار آوردن عناصر وابسته به غرب و ساخت به دلیل انحرافی). (خامنه‌ای، ۱۳۹۰)

ضدیت با استبداد و تسلیم نشدن در مقابل آن یکی از ارکان قیام‌های اسلامی منطقه است. ملت‌های انقلاب کرده و آزاد شده، یکی از مهم‌ترین خواسته‌هایشان حضور و نقش قاطع مردم و آرایش در مدیریت کشور است و چون مؤمن به اسلامند، پس مطلوب آنان نظام مردم سالاری اسلامی است؛ یعنی حاکمان با رأی مردم برگزیده می‌شوند و ارزش‌ها و اصول حاکم بر جامعه، اصول مبتنی بر معرفت و شریعت اسلامی است. (اخوان کاظمی و مشتاقی، ۱۳۹۱: ۵۵)

## ۲- استراتژی ایالات متحده آمریکا در قبال بیداری اسلامی کشورهای منطقه از منظر حقوق بین‌الملل:

پس از مرور اجمالی مفهوم و خاستگاه بیداری اسلامی و آشنایی با عوامل مؤثر بر آن در منطقه خاورمیانه، در ادامه بحث استراتژی ایالات متحده آمریکا را در قبال هر یک از کشورهای ایران، مصر و یمن بررسی می‌کنیم.

### ۲-۱- ایران

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی جیمی کارتر؛ رئیس‌جمهور آمریکا با صدور دستور اجرایی شماره ۱۲۱۷۰ مورخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹، وضعیت فوق‌العاده ملی و انسداد اموال و دارایی‌های دولت ایران را اعلام کرد. در سال ۱۹۸۰ تحریم‌های اقتصادی وسیعی را در واکنش به تصرف سفارت آمریکا در تهران علیه ایران وضع نمود. هم‌چنین با نامیدن ایران به‌عنوان حامی تروریسم در ژانویه ۱۹۸۴ یک دور جدید از تحریم‌های تجاری خلاف مقررات حقوق بین‌الملل، بر اساس قوانین ایالات متحده بر علیه ایران وضع گردید.

در اکتبر ۱۹۸۷ رونالد ریگان؛ رئیس‌جمهور وقت آمریکا، با امضای یک دستورالعمل اجرایی یک جانبه، ضمن تحریم صادرات تکنولوژی به ایران، واردات کلیه کالاها و خدمات از ایران به آمریکا را ممنوع کرد.



بیل کلینتون؛ رئیس‌جمهور وقت آمریکا با امضای یک دستورالعمل اجرایی دیگر، در تاریخ ۶ مارس ۱۹۹۵ یک‌بار دیگر، تحریم‌های تجاری یک‌جانبه خلاف مقررات حقوق بین‌الملل را علیه ایران اعلام کرد که به موجب آن کشورهای آمریکایی و شعبات خارجی آن‌ها، از سرمایه‌گذاری در پروژه‌های توسعه نفتی ایران ممنوع شدند.

در تاریخ ۵ آگوست ۱۹۹۶ بیل کلینتون؛ رئیس‌جمهور وقت آمریکا، قانونی را تصویب کرد که هدف آن مجازات اشخاص و شرکت‌هایی است که به‌طور مستقیم مبادرت به انجام سرمایه‌گذاری‌های عمده، به منظور تقویت توان ایران و لیبی، در زمینه توسعه منابع نفتی آن‌ها می‌نمایند، تحت شمول تحریم‌های آمریکا قرار خواهند گرفت. این تحریم‌ها به‌وسیله جورج دبلیو بوش<sup>۱</sup> رئیس‌جمهور سابق آمریکا در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ تمدید شد. (مافی، ۱۳۸۵: ۶۰)

تحریم‌های اقتصادی همه‌جانبه و خلاف مقررات حقوق بین‌الملل، توسط ایالات متحده آمریکا بر علیه عراق در سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ بعد از جنگ عراق علیه کویت صورت گرفت. این تحریم، مشکلات مردمی را که دچار پیامدهای جنگ بودند افزایش داد. صدام حسین در ۲۰ می ۱۹۹۶ با برنامه نفت در برابر غذا، داور و تجهیزات پزشکی موافقت کرد. پیش از این توافق و حتی پس از اجرای آن موجب گرسنگی، قحطی، بیماری، سوء‌تغذیه صدها هزار شهروند عراقی شد و بسیاری از آن‌ها به واسطه نبود امکانات درمانی مناسب جان باختند که باعث ایجاد آثار فاجعه‌بار انسانی در این کشور شد (گاریو، ۱۳۸۷: ۳۳۷) که ایجاد چنین قحطی، عملی است ممنوع که این تحریم و تحریم‌های بعدی مغایر با موازین حقوق بین‌الملل کیفری است<sup>۲</sup>. (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۶: ۲۵۲)

در سال‌های اخیر هم به خصوص از سال ۲۰۰۸، بعد از ریاست جمهوری باراک اوباما، تحریم‌هایی را علیه ایران با عنوان «سیاست نرم افزار گرایانه» افزایش داد که از جمله تمدید قانون داماتو، تحریم کشتی رانی ایران، قانون جامع تحریم ایران، پاسخ‌گویی و کاهش سرمایه‌گذار، تحریم بانک مرکزی، بانک سپه، بانک صادرات، بانک صنعت و معدن، بانک رفاه کارگران، تحریم ۵۰ دانشمند هسته‌ای و تحریم نفت (Bill Text, ۲۰۰۷) هم چنین اخیراً هم اتحادیه اروپا، تحریم خرید نفت ایران توسط کشورهای اروپایی را وضع نمود که فراتر از قطعنامه‌های

۱. George W. Bush.

۲. See: D. Marcus, "Famine Crimes in International Law " AjII, pp. - .

شورای امنیت و تحت فشارهای آمریکا که یک تحریم یک‌جانبه، سیاسی و خلاف مقررات حقوق بین‌الملل است، صورت گرفت که به نظر می‌رسد این اعمال در ردیف تحریم‌های خلاف مقررات حقوق بین‌الملل بوده و نوعی جنگ اقتصادی و تروریسم اقتصادی باشد. (حیدرقلی زاده، ۱۳۹۱: ۱۰)

## ۲-۲- مصر

باید توجه داشت که انقلاب یک معنای خاص و در عین حال دقیقی دارد و به هر حرکتی، عنوان انقلاب اطلاق نمی‌شود. انقلاب دگرگونی بنیادی در همه زمینه‌های اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، حقوقی و به‌ویژه سیاسی است. نسبت به آنچه پیش از انقلاب، پابرجا و استوار بوده است و این دگرگونی‌ها همیشه با سرنگونی نظام حاکم پیش می‌آید و کم‌تر با آرامش همراه بوده و اغلب با کارهای خشونت‌آمیز، ویرانگری و خونریزی‌ها همگام می‌باشد.

با اندکی دقت در تحولات اخیر مصر و قیام صورت گرفته در آن، می‌توان متوجه شد که آن چه در آن رخ داده است، از جنبش انقلاب می‌باشد. در واقع، انقلاب مصر که از ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ در کشور مصر آغاز شده بود، منجر به این شد که در ۱۱ فوریه ۲۰۱۱، رئیس‌جمهور حسنی مبارک پس از ۲۹ سال در مسند قدرت، از ریاست جمهوری استعفا دهد. شارپ معتقد است که قیام مردمی و مسالمت‌آمیز در مصر به مدت ۱۸ روز گسترش یافت و در نهایت مبارک را وادار نمود تا قدرت را به نظامیان بسپارد. در بحث از علل انقلاب ۲۰۱۱ مصر و ریشه‌های آن اغلب توضیح و تبیین‌ها که از سوی رسانه‌های مختلف جهان ارائه می‌شوند، از الگویی واحد پیروی می‌کنند که عبارت است از: مقصر دانستن رکود اقتصادی، فقر، نابرابری، فساد و بیکاری. این رویه از تعیین عوامل تأثیرگذار در قیام اخیر مردم مصر، تبیین رایج و معمول در این خصوص که تأکید می‌کند مصری‌ها، شکایت‌ها و دردهای مشترکی با تونس‌ها که آن‌ها را نیز به خیابانها کشید، داشتند. دردهایی از قبیل افزایش قیمت غذا، فقر، بیکاری و قانون اقتدارگرایانه که معترضین عمومی را به سرعت و حتی به طرز وحشیانه‌ای خاموش نگه می‌داشت.

طیف وسیعی از این رسانه‌ها (آن گونه که در تحلیل گفتمان نشریات نیز شاهد هستیم)، دموکراسی طلبی را ریشه این انقلاب دانسته و حتی به صراحت بیان داشته‌اند که این انقلاب، انقلابی لائیک است و هیچ‌گونه ارتباطی با انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی ندارد. اما آن چه که از شعارها و نمادها (مثلاً الله اکبر)، نماز خواندن در خیابان، برگزاری نماز جمعه، نقش تشکل‌های اسلام‌گرا چون اخوان المسلمین در هدایت این قیام، گشایش گذرگاه رفح میان مصر

و نوار غزه بر اثر فشار مردم و از همه مهم‌تر موضع‌گیری‌های ضد اسرائیلی و آمریکایی مردم مصر (که نمونه آن را در حمله به سفارت اسرائیل در ۹ سپتامبر ۲۰۱۱، می‌توان شاهد بود)، در مصر دیده می‌شود، از دور نمایه اسلامی قیام مردم مصر حکایت دارند. در حقیقت با توجه به نشانه‌های فوق و قرائن بسیار دیگر می‌توان گفت بیداری اسلامی که عبارت است از ترک انفعال و رجعت به آموزه‌های اصیل شریعت اسلام و قیام علیه مستکبرین برای استیفای حقوق و آزادی‌های غصب شده در کشور مصر به ظهور و بروز رسیده است.

بیداری اسلامی در مصر، تنها محدود به مخالفت سیاسی نبوده، بلکه این جریان، از طرفداران خود در میان شهروندان عادی، معلمان، متخصصین، کارمندان دولت و نیروی نظامی برخوردار است، هم چنین با توجه به مطالعه صورت گرفته توسط رودی جعفر<sup>۱</sup> که در آن، ابعاد تاریخی، عقیدتی، ایدئولوژیکی و سیاسی جنبش‌های اسلامی در هر دو کشور ایران و مصر بررسی شده است، می‌توان به ارتباط انقلاب اسلامی ایران و تحریکات بیداری اسلامی در مصر پی برد. وی چنین نتیجه می‌گیرد که هر دو کشور به دنبال این بوده‌اند که انقلابی اسلامی و مردمی راه انداخته و حکومت را سرنگون نمایند. اگرچه تنها کشور ایران با پیروزی انقلاب اسلامی علیه رژیم پهلوی تاکنون به موفقیت تام دست یافته است. در هر صورت اهداف نهایی اسلام‌گراها در مصر برقراری دولت اسلامی بود (بشیر، ۱۳۹۱: ۶۸-۶۸) که موجب زایش نیروهای اجتماعی جدید در کشورهای عربی شد که در نهایت، فضای سیاسی و امنیتی این کشورها از جمله مصر برنامه‌های آمریکا را دچار خدشه کرد. با تداوم اعتراضات نقش مردم در جهت‌گیری‌های سیاسی این کشورها افزایش یافت و سیاست تحریم انتخابات در دوران دیکتاتوری جای خود را به مشارکت فعال در سرنوشت اجتماعی و سیاسی شد که این امر (جنبش‌های خودجوش مردمی) در جهان عرب به‌خصوص مصر، وضعیت آمریکا و هم‌پیمانان خود را در منطقه خاورمیانه و آفریقا دچار شوک و اضطراب کرد و این کشور مجبور شد تا رویکرد و استراتژی جدیدی را در راهبرد خود به‌منظور مواجهه با جنبش‌های مردمی در منطقه (علایی، ۱۳۹۱: ۸۵۰) در جهت حفظ استراتژی‌های سیاسی و امنیتی بر پایه حفظ امنیت انرژی، حفظ منافع اسرائیل غاصب و توازن استراتژیک در منطقه الگوی مدیریتی و سیاست خارجی خود را در چند محور از جمله:

۱. Rode jefer

حمایت از شکل‌گیری دولت‌های سکولار در مصر که برخلاف مقررات بند ۲ ماده ۱ و بند ۱ ماده ۲، جلوگیری از الگو شدن ایران به‌خصوص برای بحرین، قرار داد که در نهایت منافع خود و کشورهای حامی خود را در منطقه تأمین کند. (دوست محمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۳-۹۱)

## ۳-۲- بحرین

بحرین کوچک‌ترین کشور خاورمیانه است و پس از مالدیو کم وسعت‌ترین کشور در جهان اسلام می‌باشد. این کشور مجمع‌الجزایری است که از ۳۵ جزیره جمعاً به مساحت ۲/۶۹۱ کیلومتر مربع تشکیل شده است. بالغ بر ۸۰ درصد مردم بحرین شیعه‌اند، اما حاکمیت سیاسی به اقلیت سنی تعلق دارد. بحرین یکی از مراکز مهم تشیع در دنیا به شمار می‌آید. ارتباط و علاقه ساکنان این جزیره با مذهب تشیع به حدی محکم و قوی است که در نزد اهالی شبه جزیره و ساحل نشینان خلیج فارس، کلمه «بحرانی» مترادف با کلمه شیعی به کار می‌رود و اقلیت اهل سنت در این جزیره به نام «اهل البحرین» خوانده می‌شوند، نه بحرانی. خاندان آل خلیفه از سال ۱۷۸۲ م. به کمک استعمار خارجی خاک بحرین را به اشغال خود در آورده و یک حکومت مطلقه و دیکتاتوری را در این کشور پایه‌گذاری کردند.

سابقه جنبش‌ها و فعالیت‌های سیاسی در بحرین به سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، به‌خصوص به اوایل دهه ۱۹۶۰ م. بر می‌گردد. اما بروز انقلاب اسلامی در ایران را باید منشأ تحولات و دگرگونی‌های جدید سیاسی در بحرین به حساب آورد که منجر به گسترش روند آزادسازی سیاسی در این کشور شده است. دست‌کم از دو دهه پیش تاکنون مردم بحرین به‌طوری جدی خواستار انجام اصلاحات اساسی و برکناری حکومت آل خلیفه هستند و در این راه شهدای زیادی را تقدیم کرده‌اند. ولی به دلیل حمایت خارجی از آن رژیم و سرکوب شدید مردم، انقلاب بحرین هنوز به نتیجه نرسیده است. از تشکل‌های سیاسی و مبارز این کشور می‌توان به «جنبش اسلامی برای آزادی بحرین»، «جبهه اسلامی برای آزادی بحرین»، «جبهه مردمی برای آزادی بحرین»، «جنبش قانون اساسی» و «جبهه آزادی ملی بحرین» اشاره کرد.

۱. بند ۲ ماده ۱ توسعه روابط دوستانه در بین ملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و خود مختاری ملل و انجام سایر اقدامات مقتضی برای تحکیم صلح جهانی.

۲. بند ۱ ماده ۲ سازمان بر مبنای اصل تساوی حاکمیت کلیه اعضای آن قرار داد. در این مورد نگاه کنید به:

See: United Nations Organization Charter( ).

موج ناآرامی‌ها در بحرین از زمانی آغاز شد که در خواست برپایی مجدد پارلمان (که از سال ۱۳۵۴، ه ش ۱۹۷۵ م. منحل شده بود)، هم چنین در خواست به جریان انداختن قانون اساسی راکد مانده از جانب امیر شیخ عیسی بن سلمان آل خلیفه، با بی‌اعتنایی روبه‌رو شد. حتی این در خواست با خشنونت نظامی حکومت روبه‌رو شد. موضوع قانون اساسی و پارلمان و هم‌چنین حل مشکل بیکاری که به‌ویژه در میان شیعیان ریشه دوانده بود، هم چنان به حال خود باقی ماند. این موضوع‌ها در حقیقت درخواست‌های محوری و اصلی هواداران انتفاضه بود. ولی متأسفانه از همان ابتدا سیمای فعالان انتفاضه را خرابکار معرفی کردند و در پی آن بی‌درنگ ادعای توطئه، تلاش برای ایجاد انقلاب در بحرین به رهبری و حمایت از خارج مطرح گردید. غافل از آن که سوء اعمال حاکمیت از جانب حکومت و هم‌چنین توزیع ناعادلانه درآمد و منابع و منابع اقتصادی، دو دلیل اصلی است که در بطن این خشم نهفته است. خشمی که در بحرین به وجود آمد، در نتیجه فشار و تحقیر شدید اکثریت شیعه بحرین بود. (ولایتی، ۱۳۹۱: ۳۷-۳۶)

امروزه موضوعی مهم‌تر و ارزشمندتر از مبارزه با تروریسم به‌ویژه در جهان عرب پیش رو نداریم. ما همواره از استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا، دست‌نشانده آن یعنی رژیم اشغالگر قدس و کشورهای پیرو آن‌ها از شرق و غرب که اندیشه‌ای جز تجاوز به ملت‌های مستضعف و چپاول اموال و ریختن خون آنان را در سر نمی‌پروراند، رنج برده‌ایم. شرایط کنونی ملت بحرین که با تجاوز آشکار و تروریسم سازمان‌یافته شبه‌نظامیان رژیم ظالم آل خلیفه، مواجه‌اند، بهترین گواه بر این مدعا است. نیروهای آل خلیفه با حمایت نیروهای اشغالگر عربستان که به خاک، کرامت و حاکمیتشان تجاوز کرده‌اند، دستورات مقامات آمریکایی و صهیونیستی که دشمن ملت‌ها و مسلمان‌ها در منطقه هستند را به اجرا در می‌آورند، در واقع تروریسم در بحرین همانی است که توسط دولت و نیروهای شبه‌جزیره اعمال می‌شود. آنان با حمله به خانه‌های مسلمانان، آنان را هتک حرمت کرده و زنان و کودکانشان را مورد تجاوز قرار می‌دهند. اقدامات وحشیانه آن‌ها که در قالب هیچ‌یک از اصول و ارزش‌ها نمی‌گنجد، مصداق برجسته تروریسم است که علیه ملتی بی‌دفاع که گناهی جز مطالبه حقوق خود ندارد، اعمال می‌شود. (الشایب، ۱۳۹۰: ۲۳۹) چنان چه این اعمال و محدودیت‌ها بر فعالیت‌های سیاسی و آزادی بیان در این کشور از جمله بازداشت فعالان سیاسی و فعالان حقوق بشر، تعقیب و بازداشت روحانیون برجسته به علت بیان نظرات سیاسی، نقض حقوق بشر بوده که نه تنها مرکز حقوق بشر بحرین از آن ابراز نگرانی کرد؛ بلکه پارلمان اروپا و شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در

ژنو نیز نقض حقوق بشر در این کشور را محکوم کرده است. (ستاد حقوق بشر قوه قضائیه: ۱۳۹۲: ۱)

### نتیجه‌گیری

بیداری اسلامی، پدیده‌ای است که هم‌زمان با تهاجم غرب به جهان اسلام و عصر استعمار، مطرح شد و به عنوان یک پدیده متأثر از نهضت فکری انقلاب اسلامی ایران در عصر امروز در قالب جنبشی اجتماعی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به اوج خود رسید. این پدیده که متأثر از نهضت فکری انقلاب اسلامی به خصوص بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی (ره) می‌باشد موجب نگرانی و به خطر افتادن منافع استراتژیک کشورهای غربی از جمله ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانانش در منطقه خاورمیانه و کشورهای حوزه خلیج فارس شد. به همین دلیل برای مواجهه با این تعارض منافع و خطر افتادن آن از جانب کشور ایران و تأثیر ایدئولوژیک این کشور بر کشورهای حوزه خلیج فارس، تحریم‌های یک‌جانبه خلاف موازین حقوق بین‌الملل و حقوق بشری را تصویب و اجرا کرد که به نوعی جنگ اقتصادی و تروریسم اقتصادی است. هم‌چنین بیداری اسلامی که در کشورهای خاورمیانه (مصر، بحرین، یمن و...) که متأثر از جمهوری اسلامی ایران است از طریق ایجاد اختلافات مذهبی داخلی، جنگ داخلی، گسترش تروریسم داخلی (تروریسم دولتی) و بین‌المللی و نقض مقررات حقوق بشری سعی در انحراف اهداف اصلی این انقلاب‌ها و تسخیر اهداف این انقلاب‌ها در رسیدن به اهداف ژئوپولیتیک و منافع سیاسی و استراتژیک خود می‌باشند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

- آوری، پیتز (۱۳۷۳). **تاریخ معاصر ایران از تأسیس تا انقراض سلسله قاجاریه**، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، چاپ سوم، تهران: انتشارات عطایی.
- اخوان کاظمی، بهرام و مشتاقی، الله کرم (۱۳۹۱). «بیداری اسلامی و علل آن با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری»، **فصلنامه مطالعات جهان اسلام**، سال اول، ش ۱.
- بشیر، حسن و همکاران (۱۳۹۱). «بیداری اسلامی مصر و گفتمان رسانه‌ای جهان: تحلیل گفتمان نشریات کشورهای خارجی (۶ بهمن تا ۱۶ اردیبهشت)»، **دو فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی**، سال اول، ش ۱.
- بهنیافر، احمد رضا (۱۳۹۱). «شاخصه‌های تمدن اسلامی و انطباق آن با مؤلفه‌های بیداری اسلامی»، **فصلنامه تخصصی پانزده خرداد**، دوره سوم، سال دهم، شماره ۳۴.
- بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، مورخ ۱۳۹۰/۰۶/۲۶.
- بیگی، جمال؛ حیدرقلی زاده، جعفر و اکبری، مرتضی (۱۳۹۱). «نقش و تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر بیداری اسلامی کشورهای حوزه خلیج فارس و خاورمیانه»، **اولین همایش بین‌المللی محیط‌زیست و ژئوپولیتیک خلیج فارس**، قشم.
- بی‌نام (۱۳۹۲). «انتقاد مرکز حقوق بشر بحرین از رژیم حاکم برای اعمال فشار بر رهبران مخالفان»، **ستاد حقوق بشر قوه قضائیه (۱۳۹۲/۸/۵)**، قابل دسترسی در سایت: [www.yxzxzvt.humanrights-iranoir/news-.aspx](http://www.yxzxzvt.humanrights-iranoir/news-.aspx)
- جعفری، علی‌اکبر و ذوالفقاری، وحید (۱۳۹۱). «اندیشه‌ها و راهبردهای اعمالی امام خمینی (ره) در نظام بین‌الملل»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال ۲۶، ش ۳.
- حیدرقلی زاده، جعفر (۱۳۹۲). «استراتژی ایالات متحده آمریکا از اعمال تحریم‌های همه‌جانبه بر علیه جمهوری اسلامی ایران و کشورهای منطقه از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، **مجموعه مقالات چهارمین همایش مجازی بین‌المللی تحولات جدید ایران و جهان**، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین.
- حیدرقلی زاده، جعفر (۱۳۹۲). **تروریسم هسته‌ای و اقدامات جهانی جهت مقابله حقوقی با آن**، **مجموعه مقالات پنجمین همایش مجازی بین‌المللی تحولات جدید ایران و جهان**، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).

حیدرقلی زاده، جعفر و جراحی، جلیل (۱۳۹۳). «بررسی انتقال آب رودخانه ارس به دریاچه ارومیه و انطباق آن با رژیم حقوقی رودخانه‌های بین‌المللی»، **مجموعه مقالات ششمین همایش مجازی بین‌المللی تحولات جدید ایران و جهان**، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین.

دوست محمدی، احمد؛ توتی، حسینعلی و نیک‌نام، رضا (۱۳۹۱). «رویکرد شورای همکاری خلیج‌فارس و آمریکا در جغرافیای سیاسی جدید خلیج‌فارس پس از بیداری اسلامی»، **اولین همایش بین‌المللی محیط‌زیست و ژئوپولیتیک خلیج فارس**، قشم.

سمیعی اصفهان، علیرضا و فتحی مظفری، عبدالرضا (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر جنبش بیداری اسلامی خاورمیانه (با تأکید بر رویکرد سازه‌انگاری)»، **فصلنامه مطالعات جهان اسلام**، سال دوم، ش ۱.

الشایب، عبدالرئوف (۱۳۹۰). «تروریسم بحرین و مسئولیت جامعه بین‌المللی»، **مجموعه مقالات ارائه شده در کنفرانس بین‌المللی ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه**، چاپ اول، تهران: نشر مجمع جهان صلح اسلامی.

صالحی، سید جواد؛ فرح‌بخش، عباس و فرج زاده ایوب (۱۳۹۱). «طبقه متوسط جدید و چالش‌های سیاسی حکومت مصر از دهه ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱ میلادی»، **فصلنامه مطالعات جهان اسلام**، سال اول، ش ۱.

علایی، حسین (۱۳۹۱). «تحلیل تغییرات قوا در خاورمیانه در پی قیام‌های مردمی در کشورهای عربی»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال ۲۱، ش ۴.

قربی، سید محمدجواد (۱۳۹۱). «امام خمینی (ه) و روند بیداری جهان اسلام»، **فصلنامه تخصصی پانزده خرداد**، دوره سوم، سال دهم، ش ۳۴.

گاریو، فردریک اچ (۱۳۸۷). **تروریسم دولتی و ایالات متحده آمریکا از عملیات ضد شورش تا جنگ علیه تروریسم**، ترجمه رضا محمودی فقیهی، چاپ اول، تهران: انتشارات مطالعات بین‌المللی مبارزه با تروریسم دانشگاه آزاد اسلامی.

مافی، همایون (۱۳۸۵). «تأملی بر تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل»، **پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی**، سال اول، ش ۱.

ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین (۱۳۸۶). **حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی**، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.

ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۹۲). **بیداری اسلامی (ضمیمه کتاب تاریخ معاصر ایران)**، چاپ اول، تهران: نشر شرکت چاپ کتاب‌های درسی ایران، چاپ اول.



تأملی بر استراتژی ایالات متحده آمریکا در قبال بیداری ...

(ب) منابع انگلیسی

Bill Text, th Congress ( - ), S. J. RES. , November, ,  
available at thomas. loc. gov/cgi-bin/query/z?c :S. J. Res. .  
D. Marcus, "Famine Crimes in International Law " AjII.  
United Nations Organization Charter( ).



